«آرمان ملی» در گفت‌وگو با کارشناسان بررسی کرد؛

دینداری و دین گریزی «نسل زد»

آرمان ملی- احسان انصاری: با فرا رسیدن ماه محرم و عزاداری سالار شهیدان، امام حسین(ع) و یاران باوفایش نوجوانان و جوانان بسیاری در این عزاداری‌ها شرکت می‌کنند. کسانی که در سال‌های اخیر به «نسل زد» معروف شده‌اند و عنوان می‌شود که دارای دغدغه‌های متفاوتی نسبت به نسل‌های گذشته به خصوص در زمینه عقاید مذهبی هستند. به همین دلیل «آرمان ملی» موضوع دینداری و دین گریزی نسل جدید را در گفت‌وگو با جامعه شناسان و کارشناسان مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

آزاد ارمکی: میزان دینداری در جامعهٔ ایران افت نکرده است. این طور نیست که در گذشته نود درصد جامعهٔ ما دیندار بوده باشند و الان این رقم، به علت رویگردانی متولدین دهه‌های ۷۰ و ۸۰، به پنجاه درصد رسیده باشد. دینداری در جامعهٔ ما افت و خیز و بالا و پایین داشته است، اما در کل دینداری در جامعه ایرانی همیشه در همین حد و حدود بوده است

میبدی یزدی: باید توجه داشت که شکل و شمایل عزاداری محرم نیست که اهمیت دارد، بلکه اهداف و ماهیت اصلی قیام عاشورا واجد اهمیتی عالی است. نمی‌توان جامعه‌ای را در نظر گرفت که اهداف اصلی قیام عاشورا در آن باشد و در عین حال دروغ، شکاف طبقاتی و اختلاس هم در آن دیده شود

فراستخواه: کسانی انتظاراتی از دینداری دارند و چون در جامعه و میان نسل جوان، درک از دینداری به آن صورت که این افراد می‌خواهند نیست مردم را به دیندار نبودن متهم می‌کنند در حالی که مساله ما اینجا مساله نسلی است، وقتی نسل تغییر می‌کند، طبیعی است که باید میان نسل قبلی و جدید یک گفت‌وگویی صورت بگیرد

آزاد ارمکی: تغییر قرائت‌های سخت‌گیرانه به قرائت اجتماعی

دکتر تقی آزاد ارمکی، جامعه شناس در این زمینه معتقد است: امروز شاید بسیاری از جوانان یک قرائت به خصوص را نپذیرند، اما هیچ‌گاه از مسائل معرفتی و دین عبور نکرده و بلکه همچنان خود را معتقد و پایبند می‌دانند. با این وجود قرائت‌های مختلفی از دین در جامعه به وجود آمده که جوانان براساس دغدغه‌های خود به این قرائت‌ها گرایش پیدا می‌کنند. جوان امروزی از حیطه عبادت خارج نشده است. به عبارت دیگر قرائت‌های سخت‌گیرانه جای خود را به قرائت اجتماعی از مفاهیم معرفتی خواهد داد.

با این وجود قرائت‌های مختلفی از دین در جامعه به وجود آمده که جوانان براساس دغدغه‌های خود به این قرائت‌ها گرایش پیدا می‌کنند. وی ادامه داد: میزان دینداری در جامعهٔ ایران افت نکرده است. این طور نیست که در گذشته نود درصد جامعهٔ ما دیندار بوده باشند و الان این رقم، به علت رویگردانی متولدین دهه‌های ۷۰ و ۸۰، به پنجاه درصد رسیده باشد. دینداری در جامعهٔ ما افت و خیز و بالا و پایین داشته است، اما در کل دینداری در جامعهٔ ایرانی همیشه در همین حد و حدود بوده است. در ایران کنونی، تحولی در نحوهٔ عمل به دین ایجاد شده است. دینداری در جامعهٔ سنتی به گونه‌ای است و در جامعهٔ مدرن به گونه‌ای دیگر. به علاوه، ما هیچ پژوهشی نداریم که نشان دهد ایران پنجاه سال پیش چقدر دیندار بوده است. این پژوهش‌ها ناظر بر جامعهٔ امروز است. من قبول دارم که تغییراتی رخ داده است ولی این طور نیست جامعهٔ ما در حال سکولار شدن و کنار گذاشتن دین باشد. تغییری در نوع دینداری اتفاق افتاده است.

این جامعه‌شناس تصریح کرد: افرادی که در قشر علمای دینی می‌توانستند به پرسش‌ها پاسخ دهند یا وزیر و وکیل شده‌اند یا به برخی مناصب حاکمیتی منصوب یا انتخاب شده‌اند؛ بنابراین آنهایی که مانده‌اند برخی توان پاسخگویی به پرسش‌های جامعه را ندارند و اگر هم کسی باقی مانده باشد، جنس سوال‌های او هم از جنس پاسخ‌های علوم انسانی و پرسش‌های مربوط به آن است. این طور نیست که شما بگویید روحانیت بر اسلام فقهی اصرار دارد و جامعه به آن تن نمی‌دهد. تغییراتی که در جامعهٔ ایران حادث شده، در کل حوزهٔ دین رخ داده است. ما مشکلات این زمینه را نمی‌بینیم و می‌گوییم جامعهٔ در حال حرکت به سمت سکولاریسم است. جامعهٔ ما منطق دینداری را دنبال می‌کند.

میبدی یزدی: به مناسک عزاداری محرم اضافه می‌کنیم، اما از مقاصد آن غافلیم

محمد تقی میبدی یزدی، استاد دانشگاه و حوزه نیز در این زمینه معتقد است: « قیام عاشورا دارای منطق است و در طول تاریخ رنگ کهنگی نگرفته و در آینده نیز نخواهد گرفت. متاسفانه برخی از کسانی که خود را به عنوان خطیب معرفی می‌کنند به دلیل نداشتن دانش کافی سخنانی در منبرهای عزاداری یا مراسم مذهبی عنوان می‌کنند که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. رفتارهای غیرشرعی مانند قمه‌زنی، در کنار سخنرانی‌های افراد کم‌اطلاع دستاویزی برای جولان معاندان اسلام در شبکه‌های اجتماعی شده که به‌وسیله آن عقاید مذهبی را هدف قرار دهند. هدف اصلی امام حسین(ع) از قیام عاشورا درس آزادگی، حریت و عقلانیت بوده است. این در حالی است که در جامعه از بیان اهداف اصلی قیام امام حسین(ع) آن‌گونه که باید خبری نیست و برخی اهداف سیاسی و جناحی خود را در چنین مراسمی دنبال می‌کنند. جامعه ما هرساله به مناسک عزاداری محرم اضافه می‌کند اما از مقاصد آن غافل است. وی ادامه داد: باید توجه داشت که شکل و شمایل عزاداری محرم نیست که اهمیت دارد، بلکه اهداف و ماهیت اصلی قیام عاشورا واجد اهمیتی عالی است. نمی‌توان جامعه‌ای را در نظر گرفت که اهداف اصلی قیام عاشورا در آن باشد و در عین حال دروغ، شکاف طبقاتی و اختلاس هم در آن دیده شود. جامعه دارد از مفاهیم اصلی مذهبی فاصله می‌گیرد و اهداف فردی و گروهی جایگزین آن می‌شود. امام حسین(ع) قبل از آنکه بر امویان و معاویه و یزید بتازد، با علمایی مواجه بود که نسبت به اتفاقات زمان خود بی‌تفاوت بودند. این علما برای رسیدن به منافع فردی خود دروغ‌ها و اکاذیبی را وارد اسلام کردند که به سود معاویه و یزید بود. به همین دلیل امام حسین(ع) قبل از آنکه به دنبال قیام باشد تلاش کرد این علما در مسیر دین انحراف ایجاد نکنند. در نتیجه دو مساله امام حسین(ع) را همواره رنج می‌داد؛ نخست عالمان بی‌عمل و دوم جهل مردم.

فراستخواه: باید بین نسل‌ها گفت‌وگوی دینی صورت گیرد

مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس درباره اینکه گفته می‌شود نسل جدید دین گریز شده است معتقد است: اینکه گفته می‌شود جامعه دیگر دینی نیست و نسل جدید دیگر دین ورزی و دینداری نمی‌کند، در حقیقت به معنای برآورده نشدن انتظارات حداکثری برخی گروه‌ها و ایدئولوژی‌هاست؛ کسانی انتظاراتی از دینداری دارند و چون در جامعه و میان نسل جوان، درک از دینداری به آن صورت که این افراد می‌خواهند نیست، مردم را به دیندار نبودن متهم می‌کنند در حالی که مساله ما اینجا مساله نسلی است، وقتی نسل تغییر می‌کند، طبیعی است که باید میان نسل قبلی و جدید یک گفت‌وگویی صورت بگیرد، اگر این گفت‌وگو و تفاوت‌های میان نسلی به رسمیت شناخته نشود، منجر به شکاف و تعارض نسلی می‌شود؛ مخصوصا اگر یک نسل بخواهد الگوهای خود را بر نسل‌های جدید تحمیل کند.

فراستخواه امر دینی را یک امر اجتماعی می‌داند و بر این باور است که جامعه کنونی ایران از طریق شبکه‌های اجتماعی، اینترنت، تغییرات شهرنشینی، جمعیتی، تحصیلات و تنوعات نهادهای اجتماعی به دنیای جدیدی پرتاب می‌شود در نتیجه این جامعه، جامعه نخبه مدار قبلی نیست، جامعه مبتنی بر دانش و یادگیری در سطح عموم مردم و گروه‌های اجتماعی است. در نتیجه امر دینی به دلیل ماهیت اجتماعی بودنش در جامعه نیاز به تحول و تنوع و همسخنی و همگرایی با دگرگونی‌های دنیا دارد. طبیعی است دینداری کسی که تحصیلات و اطلاعات مختلف و متضاد دارد و با منابع، دیدگاه‌ها و جهان بینی‌های جور واجور کم و بیش آشنایی دارد با کسی که منابع اطلاعاتی ندارد و سر و کارش با دانش، آگاهی، اندیشه، فلسفه‌ها و مذاهب نیست، متفاوت است. افراد تحصیلکرده و آگاه ممکن است بسیار سوال بپرسند و بخواهند بیشتر در دین ورزی خود عقلانیت به خرج دهند و در واقع یک دینداری معقول و پرسشگر را دنبال کنند، شکلی از دینداری که با کثرت سازگار باشد، گروه‌هایی که با تربیت شهروندی جدید به بار می‌آیند می‌خواهند دینداری را با نجابت و نزاکت و آزاده منشی و حقوق بشر و انسان دوستی و کثرت گرایی جمع بکنند. اندام جامعه ایران در حال تغییر است و لباس‌ها هم باید با آن تغییر کند در نتیجه افکار و رفتارهای دینداری افراد هم عوض می‌شود.

استاد جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی معتقد است: اینکه طی چند دهه گذشته در جامعه بحث انتظار از دین مطرح شد، تنها یک مفهوم معرفت شناختی نبود بلکه ابعاد جامعه شناختی هم داشت. این امر از متن جامعه ناشی می‌شود، تغییرات عینی، تحولات و تخصصی شدن جامعه و کثرت مند شدن آن است که به عنوان یک پروسه عینی زمینه فراهم کرده و این مفهوم سازی تازه یعنی انتظار از دین به میان می‌آید؛ مثال واضح آن فناوری اطلاعات و دنیای ارتباطات است؛ طبیعی است دینداری در جامعه‌ای که بیشتر به دنیای اینترنت و رسانه‌ای شدن پرتاب می‌شود و به اطلاعات متعدد و متنوع دسترسی دارد و ارتباطاتش توسعه پیدا می‌کند، تغییر می‌کند؛ در چنین جامعه‌ای انحصارگرایی بسیار ناکارآمد است؛ یا مثلا نمی‌شود دینداری‌های کلیشه‌ای را در این جامعه مخصوصا از بالا آن هم دولت به وجود آورد؛ ممکن است کسانی مسائلی را به جامعه تحمیل کنند، اما به احتمال زیاد از جامعه جوابی نمی‌گیرند؛ شواهد موجود درستی این مساله را نشان می‌دهد.

مانع اصلی احیای برجام از نگاه روسیه

آژانس مایل به گفت‌وگو با تهران است

رومان آستینوف، معاون نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین در گفت‌وگو با خبرگزاری تاس در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه باتوجه به برگزاری انتخابات جدید در ایران شانس احیای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) چقدر است؟ گفت: در این موضوع، من بر روندهای سیاسی در ایران متمرکز نیستم، بلکه به موضع ایالات متحده و کشورهای اروپایی طرف برجام، یعنی آلمان، فرانسه و انگلیس می‌پردازم. آنها از مذاکره و بازگرداندن توافق هسته‌ای خودداری کردند. فکر می‌کنم اخیرا نمایندگان ارشد آمریکا در اظهارنظرهای خود گفته‌اند که با توجه به نتایج انتخابات در ایران، مذاکرات را از سر نمی‌گیرند. وی افزود: طرف ایرانی، چین و روسیه آماده بازگرداندن توافق هستند و بارها آمادگی خود را اعلام کرده‌اند. در ماه ژوئن، در جلسه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بیانیه‌ای سه جانبه صادر شد که به وضوح تایید کرد این سه کشور از توافق هسته‌ای حمایت می‌کنند و آماده از سرگیری مذاکرات هستند. این دیپلمات روس تاکید کرد: در این مورد، من در پاسخ به تمام سوالات درخصوص بازگرداندن احتمالی مذاکرات، مسئولیت را متوجه کشورهای غربی می‌دانم. آنها هستند که جلوی این روند را می‌گیرند. او در پاسخ به این سوال که آیا آژانس اتمی ارزیابی خاصی از شخصیت رئیس جمهور جدید ایران دارد و آیا او می‌تواند تناقضات تهران و آژانس اتمی را حل کند؟ اظهار داشت: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان یک سازمان و دبیرخانه این اختیار و حق را ندارند که به نحوی انتخاب دموکراتیک مستقل مردم ایران و شخصیت رئیس جمهور جدید این کشور را ارزیابی کنند. ما هرگز چنین چیزی از رهبری آژانس نشنیده‌ایم. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علاقه‌مند به ادامه گفت‌وگوها با تهران است که در دوران فعالیت رئیس جمهور قبلی در جریان سفر وی (به ایران) در ماه مه آغاز شد. آستینوف ادامه داد: ما می‌دانیم که قصد او برای ادامه گفت‌وگوهای سیاسی و فنی صادقانه است و او قطعا مایل است از این موضوعات دیرینه که از منظر منع اشاعه و سیاسی بی ربط هستند، رها شود. وی خاطرنشان کرد: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با انواع تغییرات سیاسی تاثیر می‌گیرد. همه چیز، تنها به مدیرکل بستگی ندارد. از نظر ما برای برقراری تعامل با ایران باید تحرکی از هر دو طرف صورت گیرد. برای ایران مهم است که نشان دهد اگر قدمی بردارد، به فرآیندی بی‌پایان تبدیل نمی‌شود و پاسخ آن، مانند آنچه قبلا پیش آمده است، سوالات بی‌پایان جدید ایجاد نخواهد کرد و اینکه در نهایت اگر همکاری کند، موضوع در شورای حکام بسته می‌شود. طبیعتا مدیرکل نمی‌تواند در مورد آخرین مورد ۱۰۰ درصد تضمین دهد. معاون نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی همچنین گفت: شورای حکام متشکل از کشورهای عضو است، برخی به سادگی علاقه‌ای به حل این مشکل ندارند. این را قطعنامه‌های تحمیل شده توسط بریتانیا، آلمان و فرانسه به شورای حکام نشان می‌دهد، همان طور که در ژوئن سال جاری نیز اتفاق افتاد. او با بیان اینکه «این موضوعی پیچیده است» گفت: من فکر می‌کنم که مدیرکل آژانس واقعا علاقه‌مند به گفت‌وگوی سازنده است اما وضعیت کلی سیاسی اهمیت و محدودیت‌های خاص خود را دارد. امیدواریم موضوع پیش برود و مدیرکل با دولت جدید تعامل برقرار کند. آستینوف در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا در این مرحله فقط آمریکا و تروئیکای اروپا می‌توانند قدم اول را بردارند؟ بیان کرد: از نظر برجام، بله. شکی نیست که آنها می‌توانند به سرعت موانع بر سر راه مذاکرات را رفع کنند. ما هیچ جایگزینی برای حل‌وفصل این موضوع نمی‌بینیم. در حال حاضر، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل وجود دارد. اجرای آن در اکتبر ۲۰۲۵ به پایان می‌رسد، بنابراین تمام مفاد آن باید اجرا شود. وی در ادامه تصریح کرد: این قطعنامه تا به امروز توسط ایالات متحده که از توافق هسته‌ای خارج شده و به علاوه تروئیکای اروپا نقض شده است و کشورهای مربوطه در ظرفیت ملی خود، محدودیت‌هایی را که بر اساس این قطعنامه در اکتبر سال گذشته برداشته شده بود، لغو نکرده‌اند. کل اتحادیه اروپا و تعدادی از کشورهای دیگر از اردوگاه غرب این کار را انجام نداده‌اند. این نقض قطعنامه است. ما بر اساس این واقعیت پیش می‌رویم که تا زمانی که قطعنامه به طور کامل اجرا نشود، سایر قالب‌ها غیرواقعی و غیرممکن است.

یادداشت

چالش‌های سیاست خارجی تعاملی!

صابر گلعنبری
کارشناس مسائل بین‌الملل

مسعود پزشکیان در شرایط عادی منطقه‌ای و جهانی به ریاست جمهوری ایران نرسیده، هم منطقه متعاقب متغیر جنگ غزه و در انتظار نتایج انتخابات آمریکا در وضعیت ناپایدار بسیار حساسی است؛ هم در سطح بین‌المللی نیز جهان با تحولات عمیق و رخدادهای سرنوشت‌ساز از جمله الزامات ماهیت منازعه‌آمیز نظم جهانی در این دوره شبه‌گذار مواجه است. در این شرایط ناپایدار و منازعه‌آلود، پزشکیان اولویت سیاست خارجی خود را رفع تحریم‌ها، تعیین تکلیف برجام و تعامل سازنده با دنیا تعریف کرده و از رهگذر آن به دنبال حل بحران اقتصادی کشور با قید فوریت است. اما واقعیت این است که او جدا از موانع و چالش‌های فراوان داخلی، در عرصه خارجی نیز با میدانی از مین مواجه است که عبور از آن و رسیدن به اهداف اولویت‌های پیش گفته مستلزم شناختی عمیق از واقعیت‌های پیچیده منطقه‌ای و بین‌المللی، برنامه‌ریزی و نقشه راهی درست و برداشتن گام‌های حساب شده و دقیق است. طبق رصد نگارنده، استقبال کشورهای منطقه و به ویژه شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس از پیروزی پزشکیان فراتر از تعارفات دیپلماتیک معطوف به نوعی خرسندی و رضایتمندی است. ضمنا هواداران «محور مقاومت» در منطقه، به نوعی نگران تاثیر احتمالی بازگشت اصلاح‌طلبان و دید آن‌ها در مورد روابط با آمریکا و غرب و فاصله گرفتن از دیپلماسی میدانی رئیس جمهوری فقیدند. بازخورد این نگرانی در «میدان» می‌تواند دیپلماسی دولت جدید را با چالش جدی مواجه کند، اما «خرسندی» بازیگران عرب منطقه در حالی است که در گذشته معمولا بیم آن داشتند که با رسیدن اصلاح‌طلبان به قدرت، احتمال تفاهم ایران و غرب بیشتر است و آنها قربانی این بده بستان می‌شوند و چه بسا غالبا تمایل داشتند طیفی به قدرت برسد که زاویه عمیقی با غرب دارد؛ اما به نظر می‌رسد که این انگاره و نگرانی از نزدیکی ایران و غرب به دلایلی تا حدودی در حال رنگ باختن است و چه بسا هم «از سطح محدودی از آن» استقبال کنند؛ اولا این کشورها با افزایش نفوذ و قدرت لابی‌گری خود در آمریکا بر این باورند که به نوعی منافع مشترک و پایدار خود با این کشور را تضمین کرده‌اند. ثانیا با متوازن‌سازی مناسبات خود با دو بلوک غرب و شرق و چسبندگی منافع اقتصادی با آن‌ها در سایه واگرایی منافع ایران با دو بلوک به درجه نسبتا اطمینان بخشی از در امان ماندن از آسیب‌های احتمالی نزدیکی ایران و غرب رسیده‌اند. ثالثا، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان با ترسیم چشم‌اندازهای اقتصادی کلانی سودای قرار گرفتن در زمره اقتصادهای برتر جهان را دارند و به نظر می‌رسد به این رهیافت رسیده‌اند که این مهم در سایه منطقه‌ای امن امکانپذیر است. از این رو، چون گذشته از گسترش تنش میان ایران و آمریکا در منطقه استقبال نمی‌کنند و خود نیز برای کاهش آن وساطت می‌کنند؛ اما در عین حال نگرانی آنها به هر دلیلی از ایران همچنان پابرجاست، ولی شکل بروز و مدیریت آن فرق کرده است. وقتی برجام در سال ۲۰۱۵، امضا شد بستر منطقه‌ای پرتنش و نامساعد بود که حمله به سفارت عربستان و به تبع آن قطعی روابط این فضا را به شدت تشدید کرد و پس از رسیدن ترامپ به قدرت، ریاض و ابوظبی به همراه اسرائیل گمشده خود را در او دیدند و او را به خروج از برجام متقاعد کردند. از این رو، احیای برجام و هر توافق دیگری بدون بسترسازی منطقه‌ای مناسب تداوم و کارایی مطلوب را برای ایران ندارد و اکنون که فضای منطقه‌ای عربی «تا حدودی» مساعد است، اولویت نخست پیش از توافق با آمریکا بسترسازی منطقه‌ای برای آن است. این بسترسازی هم به شیوه‌های کلیشه‌ای گذشته امکانپذیر نیست. ناگفته هم نماند که خود توافق با آمریکا به دلایل مختلف چه ترامپ بازگردد چه بایدن دوباره انتخاب شود، با چالش‌های بیشتر از قبل به ویژه متعاقب جنگ غزه روبه روست و به علت ضعف راهبردی پیش آمده برای اسرائیل در نتیجه هفتم اکتبر و این جنگ، نه تنها تل‌آویو بیشتر از قبل در مسیر این توافق سنگ‌اندازی خواهد کرد، بلکه خود سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در دوره پیش‌رو نیز بیش از گذشته عاملیت امنیت اسرائیل را در منطقه در نظر خواهد گرفت واقعیت اینکه هر توافقی با آمریکا و توافق منطقه‌ای مکمل هم بوده و یکی بدون دیگری فاقد کارایی اقتصادی و عاملیت مطلوب برای ایران است. از یکسو، با امضای توافق بدون بسترسازی منطقه‌ای همان تجربه برجام تکرار می‌شود. از دیگرسو نیز، اگر تحریم‌ها همچنان پابرجا بماند، هر اندازه هم توافقات منطقه‌ای پیش برود، باز در سایه بین‌المللی بودن اقتصاد، هژمونی اقتصادی آمریکا بر اقتصاد جهان و منافع اقتصادی تنگاتنگ بازیگران ثروتمند خلیج فارس با دنیای غرب، کارآمدی اقتصادی قابل توجهی برای تهران نخواهد داشت و تجارت فیمابین از مبادله کالا فراتر نخواهد رفت.